

قصه لیلی و مجنون سروده دونی چند رایزاده

دکتر محمد ناصر ☆

دکتر محمد صابر ☆☆

Abstract

Duni Chand Raizadeh alias Bali was a Persian poet and historian who lived in 12th century A.H. No information is available about him from external sources. According to his own statement recorded in Kaigouhar Nameh, he was the son of Meghraj and his father died when he was only seven years old. His book on the Dynasty of Ghakkars, Kaigouhar Nameh, was completed, edited and published by Dr Muhammad Baqir but his 18 Mathnawis were left unpublished. One of those 18, the famous story of Laila & Majnun has been edited over here which truly reflects his mastery over Persian language and poetry.

دونی چند رایزاده، تاریخ نویس و شاعر زبان فارسی شبہ قاره کہ در سده دوازدهم قمری زندگی می کرده است، به لقب بالی نیز شهرت دارد. اسم پدر وی میگرہراج رایزاده بود. دونی چند در زمان کودکی اش، بروایتی فقط در ہفت سالگی، پدر خود را از دست داد. همان از دوران طفولگی بہ گردشگری، جهانگردی، ہنر جنگجویی و افزون بر آن بہ علم

☆ عضو گروہ زبان و ادب فارسی، دانشگاه پنجاب، لاہور

☆☆ عضو گروہ زبان و ادب فارسی، دانشگاه پنجاب، لاہور

موسیقی نیز علاقه مند بود، و علاوه بر آن در علم طب نیز دستی داشت و به معالجهٔ مریضان و کسالت‌مندان نیز می پرداخت. اما در اواخر زندگی اش شغل پزشکی را ترك گفت و به خدمت سلطان دلاور خان گکهر (حک: ۱۱۱۴-۱۱۳۹ ق) در آمد و به عنوان متصدی و منشی اش خدمات شایانی انجام داد. (Duni Chand, 6-7)

روایت می کنند که به سبب سختگیری یا حسادت مدارالمهام به زندان افتاد و بسختی توانست چندی بعد رهایی یابد. عازم بغداد شود، و دوازده سال در آن دیار بسر برد. پس از مدتی به سرزمین پوتوهار، زادگاه و میهن خویش، باز آمد. در دوران آن سفر از شهرستانهای متعدد ایالت پنجاب از جمله مولتان، گجرات و سیالکوت دیدن کرد و در هنگام همین سفر طولانی به ایالت جمون هم رسید. (اسماعیل پور، ص ۲۰۹۵) و در دربار راجهٔ جمون زمانی که از جسوری و دلیری فرمانروایان آن دیار سخن می رفت، دونی چند رایزاده به ستایش خانوادهٔ گکهران پرداخت، شاید به سببی که خویش را پرورده و نمکخوار ایشان می پنداشت. درباریان راجهٔ جمون در اثبات ادعای او، از وی شعر حماسه ای تقاضا نمودند، و دونی چند رایزاده در ظرف چند روز به زبان پوتوهاری نسب نامهٔ منظوم خانوادهٔ گکهران را سرود، و توسط میرگل میراسی به دربار راجهٔ جمون فرستاد. نسب نامهٔ یاد شده به دست سلطان مبارز خان نیز رسید و مورد استقبال گرم وی قرار گرفت، و به درخواست وی دونی چند به نوشتن 'کیگوهر نامه' پرداخت، و در سال ۱۱۲۴ ق آن را به پایان رسانید. (سید عبد الله، ص ۹۲؛ ظهورالدین احمد، صص ۲۳۲، ۲۳۲، جلد سوم)

پس از درگذشت دونی چند رایزاده، فرزندش برچناتو رایزاده و سپس نوه اش رتن چند رایزاده بر مطالب کیگوهر نامه افزودند، و چندی

بعد نویسنده ای دیگر به نام عزت رای نیز بر متن کتاب افزود. (همانجا)

شما دروان دکتر محمد باقر، استاد گروه فارسی در دانشکده خاور
 شناسی دانشگاه پنجاب لاهور پاکستان، کیگوه نامه را در سال ۱۹۲۵م
 توسط آکادمی ادبی پنجابی از لاهور منتشر کرد و در ضمن تدوین و
 تصحیح، چهار نسخه خطی زیر را مورد نگاه قرار داد:

الف) نسخه خطی موجود در کتابخانه اندیا آفس در لندن، انگلستان (در
 حال حاضر کتابخانه بریتیش)

ب) نسخه خطی موجود در موزه بریتانیا در لندن، انگلستان (در حال
 حاضر کتابخانه بریتیش)

ج) نسخه خطی موجود در کتابخانه شخصی محمد گلزار خان

د) نسخه خطی موجود در کتابخانه شخصی غازی الدین حیدر

علاوه بر چهار نسخه مزبور، در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب
 لاهور، پنج نسخه دیگر به شماره ایچ. ۵۲، ایچ ۵۳، ایچ ۵۴، ایچ ۵۵ و ایچ
 ۱۱۲ نیز در مجموعه آذر نگهداری می شود (منزوی، الف، صص ۱۵۱۲.
 ۱۵۱۳، جلد هشتم، همو، ب، صص ۲۸۶، ۲۸۹، جلد دهم، نوشاهی، ص
 ۲۱۲) که متأسفانه هیچ کدام از آنها مورد استفاده دکتر محمد باقر قرار
 نگرفت. در میان نسخ یاد شده، دو نسخه به شماره ایچ ۵۵ و ایچ ۱۱۲
 نسبت به نسخه های دیگر مفصلتر و افزون بر تاریخ منثور خانواده
 گمکهران، مثنویهای بسیار جالب را نیز دارند. شایسته است ذکر شود که
 در سه نسخه دیگر هیچ مثنوی نیامده است. مثنویها به این ترتیب است:

(۱) در تعریف قلم (۲) در صفت کاغذ (۳) در شکوه و شکایت
 فلک (۴) حکایت یوسف و زلیخا (۵) قصه لیلی و مجنون (۶) قصه
 شیرین و فرهاد (۷) قصه وامق و عذرا (۸) قصه رسالور کوکلا (۹) قصه

سسی و پنون (۱۰) قصه هیر و ماهی (۱۱) قصه مرزار صاحبه (۱۲) قصه بون و جلالی (۱۳) قصه سوهنی و مهینوال (۱۴) قصه مادهور و کام کندن (۱۵) قصه سورته و بیجما (۱۶) قصه رود و جلالی (۱۷) قصه مصری و ماهی (۱۸) قصه باغ این جهان. (منزوی، الف، ۱۵۱۳؛ ظهورالدین احمد، ۲۳۸، جلد سوم)

جالب است که در کیگوه نامه، چاپ دکتر محمد باقر، ذکری از هیچ مثنوی نیست. مثنوی سوهنی و مهینوال، داستان معروف عاشقانه ایالت پنجاب که متعلق به منطقه ای در کنار رودخانه چناب است، در دو نسخه خطی در مجموعه آذر، به شماره ایچ ۵۵ (نسخه بدل) و ایچ ۱۱۲ (نسخه اساس) آمده است. تفاوت در میان دو نسخه یاد شده بسیار کم به چشم می خورد. نسخه خطی به شماره ایچ ۵۵ مشتمل بر ۷۹ برگ و نسخه خطی به شماره ایچ ۱۱۲ دارای ۸۰ برگ است که در واقع در یک جلد اما در میان دو کتاب قرار گرفته است، از برگ شماره ۲۹ آغاز می شود و به برگ شماره ۱۴۸ به پایان می رسد. نسخه اول الذکر در سال ۱۸۸۸ بکرمی نگارش یافته است و سال کتابت نسخه موخر الذکر درج نیست.

خلاصه داستان لیلی و مجنون به روایت نظامی گنجوی

لیلی و مجنون سومین مثنوی از خمسة نظامی است. بیشتر پژوهشگران باور دارند که بن مایه های این داستان برگرفته از افسانه های فولکلور در زبان عربی است. کراچکوفسکی، خاورشناس شوروی سابق، برای شخصیت مجنون هویتی واقعی قایل است، و مجنون را از اهالی عربستان در قرن اول هجری می پندارد. اما طه حسین، نویسنده و سخنور مصری، به واقعی بودن شخصیت مجنون ایرادهای جدی وارد می کند. یان

ریپکا، مستشرق چکسلواکی و استاد ممتاز زبان فارسی و ترکی در دانشگاه چارلز پراگ، افسانه لیلی و مجنون را به تمدن بابل منسوب می‌داند.

به روایت نظامی گنجوی، لیلی و مجنون (قیس)، دختر و پسر نابالغ در مکتب به یکدیگر دل می‌بندند. خواستگاری خانواده قیس به نتیجه نمی‌رسد، و حتی به جنگ قبایلی می‌انجامد. لیلی را بزور با مرد ثروتمندی ازدواج می‌کنند. اما بیماری لیلی باعث ناکامی شوهر می‌شود، و لیلی دوشیزه می‌ماند. شوهر از شدت ناراحتی دق می‌کند و جانش را به جان آفرین می‌سپارد. لیلی به ذکر حق می‌پردازد و دلش به نور الهی روشن می‌شود، و سرانجام به مقام والای معنوی می‌رسد. در آخرین دیدار به سرگور لیلی، او از مجنون دستگیری می‌کند و آن نور ایزدی در دل مجنون جای می‌گیرد. (ثروتیان، راز عشق لیلی و مجنون، صص ۱۲-۱۳)

قصه سرگشتگان بادیه مفتون و جنون لیلی و مجنون

که عشق را هم سرنگون کردند

اکنون کلمکم به سحر و افسون	افسانه کنند ز لیلی و مجنون
آن زار و نزار همچو ناسور	از درد فراق یار رنجور
عقلش ز دماغ خیل خیلی	می رفت چو خس به روی سیلی
آرام و شکیب و نی قرارش	این روز السنت شد قرارش
مجنون به هزار او ویلی	در ذیل بلایی همچو لیلی
هر دو به فراق شهرة آفاق	چستند گزیده مارت ریاق
بی خواب دو دیده انتظاران	پیر آب چو موسم بهاران
در بحر فراق غرق گشتند	بی فرق ز پار فرق گشتند
بر لاله رخمان شراره شد عرق	جا کرد مگر درون شان برق
چون از دو درون زدند آهی	پا سوخت صبا چو برگ کاهی

دودی که ز سوز سینه بر خاست / شد جامه کبود آسمان راست
 مجنون به جنون که سرنگون بود / لیلی گردش چو نقطه نون بود
 هر شام و پگاه گاه گاهی / کردند به یک دگر نگاهی
 چون جامه کتان به ماه پوشد / کس اخگر چون به کماه پوشد
 شد حاسد زین خبر خبردار / از مستی باده همچو هوشیار
 دزدیده نگه ز راه بستند / چون دزد به صد گناه بستند
 گشتند جدا در غم رسیده / یک چند ز دید رو چو دیده
 چون پرده ز دیده بر کشیدند / غیر از خود غیر را ندیدند
 یک تن و یک جان شدند و یک دل / آلوده نکرد پای در گل
 با عشق ازین سرای فانی / بُردند حیات جاودانی
 تا روز شمار در شمارند / وز دست شمار بر کنارند
 از هر که کنون دویی برون شد / عاشق و معشوق خود همون شد

ویژگی های هنری

بیت ۱. کلک: تشخیص

بیت ۱. سحر، افسون، افسانه: مرآة النظر

بیت ۲. زار، نزار: جناس ناقص

بیت ۲. زار، نزار، ناسور، در، رنجور: مرآة النظر

بیت ۳. خیل، خیلی: جناس ناقص

بیت ۳. عقل: مشبه، خس: مشبه به، چو: ادات تشبیه

بیت ۳. خیلی، سیلی: جناس

بیت ۴. آرام، شکیب، قرار: مرآة النظر

بیت ۴. روز الست: تلمیح (الست بر یکم قالوا بلی)

بیت ۷. در دیده انتظاران: مشبه، موسم بهاران: مشبه به، چو: ادات تشبیه،
پُر آب: وجه شبیه

بیت ۸. بحر فراق: تشبیه بلیغ

بیت ۸. فرق، فرق: جناس

بیت ۸. فرق، عرق: جناس

بیت ۹. لاله رُخ: تشبیه بلیغ

بیت ۹. عرق: مشبه، شراره: مشبه به

بیت ۹. عرق، برق: جناس

بیت ۱۰. صبا: تشخیص

بیت ۱۱. در د: مشبه، جامه کبود: مشبه به

بیت ۱۲. مجنون، جنون: جناس

بیت ۱۲. نگون، نون: جناس

بیت ۱۲. مجنون، جنون، نگون، نقطه نون: تکرار صامت "ن"، موسیقی داخلی

بیت ۱۲. لیلی: مشبه، نقطه نون: مشبه به

بیت ۱۳. شام، پگاه: صنعت تضاد

بیت ۱۳. پگاه، گاه: جناس

بیت ۱۳. گاهی، گاهی: جناس

بیت ۱۳. گاهی، نگاه: جناس

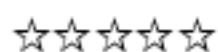
بیت ۱۳. گاه، پگاه، گاهه، دگر، نگاه: تکرار صامت "گ"، موسیقی داخلی

بیت ۱۴. ماه، گاه: جناس

بیت ۱۹. تن، جان: صنعت تضاد

بیت. دل، گل: جناس

بیت ۲۰. سرای فانی: کنایه برای دنیا



کتابشناسی

- . اسماعیل پور، محمد (۱۳۷۵ش) کیگوهر نامه؛ دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- . ثروتیان، بهروز (۱۳۷۹ش) "راز عشق لیلی و مجنون، در مثنوی لیلی و مجنون نظامی گنجوی ای" فصل نامه هنر معارفت فرهنگی وزارت ارشاد، شماره ۴۲، تهران، ایران
- . سید عبدالملک (۱۳۷۱ش) ادبیات فارسی در میان هندوان؛ مترجم دکتر محمد اسلم خان، موقوفات دکتر محمود افشار، تهران.
- . ظہور المدین احمد (۱۹۹۰، ۱۹۸۵، ۱۹۷۷م) پاکستان میں فارسی ادب، ج ۵، ۴ و ۳، ادارہ تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب، لاہور.
- منزوی، احمد (الف) (۱۹۸۷م) فہرست مشترک نسخہ خطی فارسی پاکستان، جلد ہشتم، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد.
- . ہمدو (ب) (۱۹۸۷م) فہرست مشترک نسخہ خطی فارسی پاکستان، جلد دہم، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد.
- . نوشاہی، خضر عباس (۱۹۸۲م) فہرست نسخہ های خطی فارسی کتابخانہ دانشگاه پنجاب لاہور "گنجینہ آذر"، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد.
- . Duni Chand Raizadeh (1965) Kaigoohar Nameh, Edited by Muhammad Baqir, Punjabi Adabi Academy, Lahore.

